

پيشينه و منزلت " نوروز " درميان ملل آريائی (بخش آخر)

سنت های نوروزی:

یکی از سنت های نوروز تهیه هفت میوه است. در افغانستان یک روز پیش از نوروز هفت میوه خشک را میگیرند و در آب پاکیزه میگذارند، در روز نوروز این هفت میوه را میخورند و به مهمانانی که در روز نوروز بدیدن دوستان و خویشاوندان میروند، عرضه میکنند. آن میوه ها عبارت اند از زرد آلو، شکرپاره، منقی، کشمش، پسته، بادام و سنجیدانجیر. در ایران برخلاف افغانستان سعی میشود تادر نوروز سفره هفت سین پهن کنند. بنابراین هفت نوع خوراکی و یا حبوبی را که با سین شروع میشود، مانند: سیب و سپند و سنل و سنجید، سماق، سیر، سرکه، سمنو، سبزی، علاوه بر بالای سفره هفت سین یک آئینه و دوطرفش شمع به تعداد اولاد صاحب خانه گذاشته روشن میکنند. چیزهای دیگری که بر سفره نوروزی میگذارند عبارت اند از قرآن، یک نان بزرگ، یک کاسه آب که در آن برگ سبزی ماهی کوچکی انداخته اند، یک شیشه گلاب، سبزه و چند عدد سکه. به همین سبب این سفره را سفره هفت سین مینامند. هر چند که با گذاشتن سکه و آئینه و کتاب مقدس و ماهی زنده در ظرف و سنبل، تعداد سین ها از هفت بیشتر میگردد. برخی به استناد آیات زیر ریشه هفت سین را در هفت شین میدانند که سنت دیرینه تر از اسلام است:

می نهداند خسروان جهان
شمع و شمشاد و شایه اندر خوان

روز نوروز در زمان کیان
شهد و شیر و شراب و شکر ناب



دو نمونه از سفره هفت سین ایرانیان در سال ۱۳۸۸ ش

ظاهراً ایرانیان در دوره اسلامی برای آنکه آئین نوروزی را بجای آورند، و ضمناً خود را از زیر بار ملامت و فشار روحانیت مسلمان نجات داده باشند، بجای هفت شین، هفت سین را گذاشتند. و چنانکه ملاحظه میشود با سیر و سرکه و هیچ کدام از این خوردنی ها، یک محفل سرور و سرود که لازمه جشن نوروز است رونق نمی گیرد، و آنچه بر رونق جشن و سرور می فزاید، همانا شراب و شهد و شمع است. ولی مردم چاره ای نداشتند جز اینکه از شراب درگذرند و با اسلام سرسازش گیرند و سنت نوروز را با گذاشتن قرآن و غلاتی که در اسلام خوردن آنها ممنوع نشده، بجای آورند. در هنگام تحویل سال، اهل خانه باید همه سر سفره هفت سین حاضر باشند و سکه ای در دست شان بگیرند، چون شگون دارد. در موقع تحویل سال زنان باید سوزن یا سنجاقی زیر گلو بگیرند و گرنه رشته کارشان گسسته میشود. شمعی که به نیت سلامتی در هفت سین روشن است باید تا اخیر بسوزد و نباید با پف کردن آنرا خاموش کرد چونکه عمر صاحب خانه کوتاه خواهد شد. کسیکه در صبح روز نوروز وارد خانه میشود باید خوش قدم باشد و با گذاشتن قدم در خانه بگوید که: صدسال به این سالها افزود باد. در صورتی که خود صاحب خانه خوش قدم باشد بهتر است خودش از خانه برون رود و برگردد. خلاصه هر قدر آغاز سال نو با خوشی و شادمانی همراه باشد به همان اندازه تا اخیر سال بر انسان خوش خواهد گذشت.

سمنک:

یکی از آئین های نوروزی ، تهیه سمنک (یا سمنو) است که به عقیده عامه نه تنها نذر برآمدن حاجت ها و مرادهاست ، بلکه با خود خیر و برکت بارمغان می آورد. سمنک را بدین گونه تهیه میکنند: گندم سفید و پاک را می شویند بعد روی ظرفی مثل مجمع (مجمعه) یا سینی هموار میکنند و بر رویش یک پارچه نازک و مرطوب از جنس لملل میکشند. هر روز این صافه یا پارچه را نم میزنند و دوباره هموار میکنند. در بعضی جایها آنرا در پارچه ای می پیچند و در چاهی می آویزند تا گندم نیش بزند. روزهای بارانی سبزه نوخاسته و نورسته را زیر باران میگذارند به این باورکه باران بهار آنرا شیرین تر و خوشمزه تر میکند. پس از ده روز (کمتر یا زیادت) همینکه سبزه به اندازه یک وجب بلند شد آنرا با آب می شویند، کاکل آنرا میگیرند. بعد روی سفره بالای تخته چوب یا سنگ صاف میگذارند و ریزه ریزه میکنند و نیت می بندند. همینکه خرد خرد شد، هفت بار در هاون می کوبند و شیر و عصاره آن را با مقداری از آرد در دیگ می اندازند و می جوشانند. در دیگ هفت بار آب می ریزند و آن را با کفگیر می زنند و شور میدهند تا ته دیگ نگیرد و نسوزد. سپس آنرا می پوشانند و آتش دیگ را کم میکنند و بر سرپوش دیگ قوغ های آتش را میگذارند تا دیگ دم بکشد. در موقع جوشش ده دانه چهارمغز می اندازند تا سمنک دانه دار بیاید. در اثر فرو رفتگی چار مغزها خطوط و نقوش شبیه و پنجه آدمی ، مهر ، تسییح و امثال آن روی سمنک دیده میشود که آنرا نشانه قبولی ورواشدن حاجت می دانند. دختران دم بخت و دختران بخت بسته و خانه مانده و دختران نوجوان از سرشب تا دم صبح می بایستی بیدار بمانند و اگر دختری بخوابد بر او آب میریزند، بنابراین دختران بنویت کفچه میزنند و در حین کفگیر زدن با دف و دفچه ترانه سمنک را با آهنگ و آواز ویژه آن میخوانند. بادی گفت که سمنک چون نذر و نیاز است ، آنرا پاک و پاکیزه میدانند کسی را که جُنب یا نا پاک باشد یا مریض و کچل (کل شوره) نزدیک آن نمی گذارند. همچنین زنانی که بر عادت ماهوار باشند و کسانی که صدای شان سنگین باشد، دور و بر دیگران نمی آیند در غیر آن سمنک شور می شود. سمنک «افتاد» و «نیفتاد» دارد. به عبارت دیگر «آمد و نا آمد» دارد. کسی که نذر سمنک را بدوش میگیرد باید هر سال بدهد. همینکه سمنک دم کشید، آنرا به قاب وکاسه میکشند و با خشخاش زینت میدهند و هم خود میخورند و هم بخانه های دوستان تقسیم میکنند. دوستان بشقاب سمنک را با قند و نبات بر میگردانند. محفل سور و سرور باین ترتیب پایان می یابد. (۳۳)

نمونه بارز ترانه سمنک همانست که خانم پروین آنرا با آواز دلنشین خود هر سال بمناسبت نوروز ، از طریق امواج رادیو به مامی شنواید و چنین میخواند:

سمنک درجوش ما کفچه ز نیم**دیگران در خواب ما دفچه ز نیم**

سمنک پیک بهار است میله شب زنده داراست

این خوشی سال یکبارست سال دیگر یا نصیب

سمنک درجوش ما کفچه ز نیم**دیگران در خواب ما دفچه ز نیم**

آرزو امشب خروشد، سمنک در خود بجوشد

دل خوشی جامه بپوشد سال دیگر یا نصیب

سمنک درجوش ما کفچه ز نیم**دیگران در خواب ما دفچه ز نیم**

این گل فصل بهاران دلخوشی داره هزاران

خاصه پرشب زنده داران سال دیگر یا نصیب

سمنک درجوش ما کفچه ز نیم**دیگران در خواب ما دفچه ز نیم**

بی شکر شیرینی دارد خود بخود رنگینی دارد

طعم خوش چون فرنی دارد سال دیگر یا نصیب

سمنک درجوش ما کفچه ز نیم**دیگران در خواب ما دفچه ز نیم**

خوش نماید رویه جوشش دیدنی باشد خروشد

ساجقک دارد به دوشش سال دیگر یا نصیب

سمنک درجوش ما کفچه ز نیم**دیگران در خواب ما دفچه ز نیم**

شاهد عیش بهار است موجب شور و شراراست

وسعت هرگیر و داراست سال دیگر یا نصیب

سمنک درجوش ما کفچه زنيم ديگران درخواب ما دفچه زنيم

تجليل از نوروز در کشورهای همسايه:

جشن نوروز، جشنی باستانی است که تخمین حدود دوصد میلیون انسان در کشورهای آسیای میانه و شرق میانه آنرا جشن می گیرند. به کلام دیگر جشن نوروز نه تنها در ایران و افغانستان، بلکه در کشورهای تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، قزاقستان، آذربایجان، مناطق کردنشین عراق، سوریه و ترکیه و حتی در بسیاری از شهرهای روسیه نیز برگزار می شود. مردم کشورهای مختلف نوروز را به اشکال مختلف جشن می گیرند، در اینجا بطور کوتاه درباره سنت نوروز در چند کشور توضیح می دهیم:

ازبکستان:

در ازبکستان جشن نوروز جشنی دولتی است، اما رسماً سال نو طبق تقویم اروپایی برگزار می شود. از چند روز مانده به نوروز، مردم این کشور (بخصوص مردم شهرهای بخارا و سمرقند که اکثریت شان تاجیک تبار اند) خانه تکانی می کنند و خانه های خود و شهرها و روستاها را می آریند؛ زیرا این امری طبیعی است که در لباسی زیبا و خانه ای زیبا به استقبال سال نو بروند. طبق رسوم، تا پیش از آغاز سال نو باید تمامی کارهای مربوط به آماده کردن غذا و وسایل پذیرایی پایان بیابند.

غذای فراوان و متنوع، نماد امیدواری به برداشت محصولات بسیار در این سال است. در روز نوروز سفره عید که در ازبکستان دستار خوان نامیده می شود، پهن می شود و بر روی آن غذاهای متنوعی از جمله پلو، گوشت گوسفند و یا گاو آب پز شده، پیراشکی با پیازچه و سمنو (سومالیاک) قرار می گیرد. سمنو پزی از رسوم دیرینه در ازبکستان است که خانم ها به آن می پردازند و در هنگام پخت آن شعرهایی شاد می خوانند، می رقصند و افسانه تعریف می کنند، شوخی می کنند. ازبک ها تنها یک بار در سال و آن هم در نوروز سمنو می پزند که جوانه گندم آن سمبل زندگی ابدی است.

یکی از عقاید جالبی که در بین مردم ازبکستان وجود دارد، این است که می گویند اگر در سمنوی میهمان سنگ کوچکی بیفتد، نشان خوبی است و بدین معناست که تا نوروز دیگر او شاد، موفق و تندرست خواهد بود. علاوه بر این در میدان های شهرها نیز شادی و پایکوبی آغاز می شود و چهره هایی سنتی که نماد عید نوروز هستند، "بهار خانوم"، "دهقان بابا" و "ماما یر" (بمعنای زمین) پدیدار می شوند. آنها سوار بر ماشینی می شوند که با گل آراسته شده و مردم و میهمانان را به میدان اصلی شهر یا روستا دعوت می کنند و در آنجا نوروز را به همه تبریک می گویند.

تاجیکستان:

در تاجیکستان جشن نوروز با مراسم شاندار و تجلیل میشود و تاجپهل روز دوام می آورد. بدین معنی که مردم تا چهل روز هر جمعه به بیرون از خانه در دامن طبیعت پرازسبزه و گل میروند و با ساز و آواز و رقص و پایکوبی روزهای نوروز را با شادمانی بسر می آورند. در روز اول نوروز تاجیکان به میدانهای عمومی گردمی آیند و ابراز شادمانی می کنند. دختران جوان با موهای بلند و چوتی شده به رقص و پایکوبی می پردازند. یکی از سنت های دلپذیر تاجیکان اینست که خوشگل ترین دوشبزه را به عنوان دختر نوروز انتخاب میکنند و بعد این دختر را در موتری پر از گل می نشانند و در تمام شهر میگردانند.



دو تصویر از مراسم بزرگداشت نوروز در تاجیکستان



رسم جالب دیگر اینست که در برخی از نواحی تاجیکستان تعداد زیادی از دختران و پسرانی که با هم نامزد هستند در روز نوروز عروسی میکنند و بعد بر مزار شخصیت های نامدار میهن شان یا یادگار سپاهی گمنام رفته گل میگذارند و گویا زندگی نو را با نوروز یکجا جشن میگیرند.

غانچی یکی از آن نواحی شمال تاجیکستان است که هر سال در آستانه نوروز مراسمی بنام "عید عروسان" برگزار می شود و در آن دختران نامزد با جوانان در این روز عروسی میکنند. (بی بی سی)

بنا بر رسمی دیرینه، در روز جشن، مردم تمامی ناراحتی ها و کدورت هایی که از یک دیگر به دل گرفته بودند را می بخشند و آنانی که قهر بودند، آشتی می کنند. بسیاری به ملاقات فقرا، افراد تنها و ناتوان می روند، از آنها مراقبت می کنند، هدیه می دهند. جشن های نوروزی در تاجیکستان حدود یک ماه بطول می انجامد.

باید گفت که نوروز چیزی پیش از یک جشن معمولی محسوب می شود. در این روز برای مخارج نوروزی به کودکان پول هدیه می دهند، و به یتیمان و بینوایان کمک می کنند.

ترکمنستان:

به عقیده ترکمنها نوروز باستانی ترین جشن کشاورزان است که پدیدار شدن آن مرتبط با ایجاد تقویم کشاورزی است. ظاهراً ترکمنها از زمان حکمرانی سامانیها این جشن را پذیرفته اند و تا کنون هم آنرا گرامی می دارند. فردوسی و عمر خیام که در زمان ملک شاه سلجوقی در خاک کنونی ترکمنستان خدمت می کردند، نوروز را مرتبط با پادشاهان افسانه ای ایرانی، از جمله جمشید و کیومرث می دانستند. طبق سنت، تا پیش از فرا رسیدن سال نو مردم باید خانه و حیاط های خود را تمیز کرده و بدهی های خود را بپردازند.

ترکمن ها روی میز نوروز، نان و پیراشکی هایی از آرد گندم، ارزن، ذرت، لوبیا، لپه، عدس، برنج، کنجد و نخود می گذارند. در نوروز خوراک هایی از هفت چیز آماده می کنند که بیشتر آنها گیاهی هستند، مشهورترین خوراک نوروزی، سمنو است.

آذربایجان:

در آذربایجان نیز از نوروز با گرمی استقبال میشود و شیخ الاسلام (حاجی الله شکور پاشازاده) مفتی مسلمانان قفقاز فرا رسیدن "نوروز بایرام" را به مردم آذربایجان تبریک میگوید و آرزوی شادی، تندرستی و خوشبختی برای مردم این کشور میکند. به عقیده او نوروز نه تنها نماد نو شدن طبیعت، بلکه نماد اجرای خواسته ها و امیدهای انسان هاست.

قزاقستان

همزمان با نزدیک شدن به نوروز، خیابانها و معابر عمومی جمهوری قزاقستان آذین بندی و چراغانی شده است. نظافت و تمیز کردن شهر از طرف مردم از دیگر برنامه های آماده شدن برای نوروز است. مردم قزاقستان می گویند اگر در هنگام تحویل سال خانه تمیز باشد افراد دچار بیماری و ناراحتی نمی شوند. نورسلطان نظربایف رئیس جمهور قزاقستان سال گذشته پیشنهاد آغاز سال جدید را با آغاز فصل بهار مطرح کرد. دید و بازدید از بزرگان، حضور در جشن ها در میادین مرکزی شهر و برگزاری مراسم عروسی از برنامه های مردم قزاقستان در ایام نوروز است. تعطیلات نوروز در قزاقستان سه روز است اما بزرگداشت آن تا یک ماه ادامه دارد.

نوریز (نوروز) اسم سومین ماه در تقویم قزاقی است و از اعیاد بسیار مهم همچون عید سعید فطر، قربان و ژانویه برای مردم قزاقستان است.

اکنون که تا حدودی از اهمیت و چگونگی برگزاری جشن نوروز در میان ملل آریایی آگاهی حاصل شد، بد نیست از جشن چهارشنبه سوری که در واقع پیک نوروزی است، نیز اندکی بگوئیم.

چهارشنبه سوری، پیک نوروزی:

در آخرین هفته پایان سال خورشیدی، جشن چهارشنبه سوری در عصر سه شنبه که فردای آن چهارشنبه میشود برگزار میگردد. در جشن چهارشنبه سوری جوانان دور هم جمع میشوند و دسته های گز و چوب را رویهم میگذارند و آتش میزنند و سپس از روی آتش می پرند و حین پریدن از روی آتش میگویند:

زردی من از تو، سرخی تو از من!

و وقتی بار دوم میخواهند از روی آتش بپرند، میگویند:

سرخي تو از من، زردی من از تو!



گوشه یی از جشن چهارشنبه سوری در تهران



از روی آتش پریدن در چهارشنبه سوری در لندن

یعنی زردی و بیماری و ناتوانی را از من بگیر و سرخی و شادابی و تندرستی را بمن ببخش! بدین سان به شادی و سرور می پردازند و از آن لذت می برند و تا پاسی از شب این آئین را گرمی میدارند .

در افغانستان در برخی از شهرها این رسم بجا آورده میشود. مثلاً در غزنی دختران جوان و پسران جوان در شام چهارشنبه آخرسال در بیرون از آبادی بته های خار و هیزم را روی هم توده میکنند و آنرا آتش میزنند و بعد از روی آن می پرند. دختران جوان و دم بخت ظرفی سفید را پراز آب میکنند و بعد هریک انگشتری خود را در آن می اندازد، سپس یکی از دختران و یاکودکی دست در ظرف فروبرده یک انگشتری را بیرون می آورد و به کسی که فال گرفته میدهد، اگر انگشتری بانیتی که دختر در دل بسته یکسان باشد، آنگاه تصور میکنند که آن دختر تا سال آینده پشت بخت خود می رود و شوهر میکند. در هرات خاکستر آتش چهارشنبه سوری را دختری باید جمع کند و دور از محل خود بریزد. هنگامی که برمیگردد، در میزند و از داخل خانه پرسیده میشود: کیست؟ دختر جواب میدهد: منم. می پرسند، از کجا میائی؟ میگوید: از عروسی. می پرسند: چه آورده ای؟ میگوید: تندرستی .

در بدخشان در چهارشنبه سوری دختران موی سر خود را به چهل رشته تقسیم و آن رامی بافند و در انتهای رشته موها شاخه ظریفی می بندند تا تمام چهل رشته به ترتیب در کنار همدیگر قرار گیرند. آنان هنگام پریدن از روی آتش میگویند: «به روی مبارکت گرم، زردی مرا بگیر و سرخی ات را بمن ده!» در تاجیکستان و ازبکستان، در بخارا و سمرقند و شهر سبز، در شب آخرین چهارشنبه سال همه مردم خود رامی شویند و مردان موی سر خود را می تراشند و آنگاه از روی سه بوته آتش زده می پرند و میگویند: «روی پاک از تو و دامن پاک از ما». در خراسان هر خانواده چهارشنبه سوری را با سه یا هفت بوته خار آغاز میکنند و پیرو جوان و کودک از روی آتش می پرند و میگویند: «آل بدر، بلا بدر، دزدبدر و حیز از دهات بدر!» (۳۴) در برخی محال دختران نوجوان خانه بخانه میگردند و در ظرفی قاشق میزنند و از صاحب خانه آجیل و شیرینی میگیرند .

ولی در همینجا باید گفت که چهارشنبه سوری، ریشه میترائی دارد و هیچ ارتباطی به آداب زرتشتی ندارد. زیرا در آئین زرتشتی، سال به دوازده ماه تقسیم شده و هر ماه به سی روز و هر روز نام خاصی دارد. بنابراین در تقویم زرتشتی روزهای هفته وجود ندارد، تا چهارشنبه ای وجود میداشت. از سوی دیگر در نزد زرتشتیان آتش عنصر مقدسی است و پریدن از روی آنرا بی احترامی به آتش تلقی میکنند. چون در زبان های هند و اروپائی، خورشید بنامهای «سون، زون، زور، سور و سول» نامیده میشود، بنابراین در چهارشنبه آخرسال، میترائی، به پاس نور و حرارتی که خورشید در طول یک سال به مردم ارزانی داشته، جشن میگیرند. در تقویم اسلامی چون چهارشنبه روز نحس شمرده میشود، پس جشن چهارشنبه سوری (خورشید) را در بعد از ظهر سه شنبه برگزار میکردند، بمرور زمان معنی «سور» (خورشید) به جشن و سرور تبدیل شده و مردم هر سنت قبل از اسلام را، به آئین زرتشتی نسبت داده اند. در حالی که سور و سوری برخاسته از نام مهر و خورشید است. و امروز به معنی شادی و جشن نیز بکار میرود.

در سال ۳۳ هجری عبدالرحمن بن سمره سردار لشکر عرب در نزدیک بست در محل ده «زور = خورشید» زمینداور بر معبد زور (خورشید) حمله برد و مجسمه ربه النوع خورشید را که از طلای ناب و چشمانش از یاقوت سرخ بود، از جای برکند و هر دو چشمش را بیرون کشید و بدینگونه این اثر هنری را تخریب نمود. (۳۵)

در افغانستان در نیمه دوم قرن بیستم دانشمندان باستان شناسی در دامنه کوه خیرخانه در کابل، موفق به کشف مجسمه ربه النوع سوری (خورشید) شدند. ربه النوع سوری بشکل یک زن در حالی که آرایه او را چهار اسب بالدار بسوی آسمان میکشند، دیده میشود. احتمالاً این مجسمه در سالهای حاکمیت مجاهدین و یا طالبان به سرقت رفته و یا تخریب گردیده است. منظور از یادآوری ربه النوع زور و سوری، ریشه یابی جشن چهارشنبه سوری است .

مآخذ و رویکردها:

- ۱- بشیر عزیزی ، نوروز ، انگیزه و رسالت فرهنگی، چاپ ۲۰۰۳ ، هالند، ص ۱۵
- ۲- شاهنامه فردوسی ، چاپ هشتم ، امیرکبیر ، ایران ۱۳۷۴ ، ص ۲۸
- ۳- ضحاک ماردوش ، گزارش سعیدی سیرجانی ، ص ۱۹۵
- ۴- کیهان لندن ، شماره پنجشنبه ۱۶ مارس ۱۹۹۵ میلادی
- ۵- هاشم رضی ، گاهشماری و جشن های ایران باستان ، ص ۳۹۱
- ۶- کیهان لندن ، شماره پنجشنبه ۱۶ مارس ۱۹۹۵ میلادی
- ۷- کیهان لندن ، شماره پنجشنبه ۱۶ مارس ۱۹۹۵ میلادی ،
- ۸- اردشیر آذرگشسپ ، مراسم مذهبی و ادب زرتشتیان ، ص ۲۴۲- ۲۴۳
- ۹- همان اثر ، ، ص ۲۴۴
- ۱۰- داکتر جاوید، نوروز خوش آئین، ماهنامه کاروان، شماره ۳۷
- ۱۱- داکتر جاوید، البیرونی، آثار الباقیه، ص ۲۸۲- ۲۸۴
- ۱۲- منوچهر جمالی، نوروز جمشیدی ، لندن ۱۹۹۶ ، ص ۱۰-۱۱
- ۱۳- سایت فارسی بی بی سی، نوروز (۱۳۸۶)
- ۱۴- بی بی سی، نوروز (۱۳۸۶)
- ۱۵- هاشم رضی ، گاهشماری و جشن های ایران باستان ، ص ۳۹۲
- ۱۶- اردشیر آذرگشسپ ، مراسم مذهبی و ادب زرتشتیان ، ص ۲۵۰
- ۱۷- همان منبع ، و نیز رجوشود به مراسم مذعبی و آداب زرتشتیان، نوشته اردشیر آذرگشسب، ص ۲۴۵- ۲۵۰
- ۱۸- مردم شناسی سیستان، از نگارنده، ص ۴۱-۴۰
- ۱۹- تاریخ تمدن اسلامی، جرجی زیدان، ج ۲، ص ۱۸۲
- ۲۰- سلیمان راوش، مقاله نوروز، نگارینه نگاری ... سایت آریائی ۲۱ مارچ ۲۰۰۵
- ۲۱- نگاهی به اوضاع اجتماعی افغانستان ، از طاهریان تا تیموریان، از من، ص ۱۴۱ ، سوئد، ۲۰۰۱
- ۲۲- دیوان حکیم فرخی سیستانی ، بخش مسدسات، چاپ دبیر سیاقی
- ۲۳- امام غزالی، کیمیای سعادت ، صص ۴۷۸-۴۷۹
- ۲۴- داکتر جاوید، نوروز خوش آئین، ماهنامه کاروان، شماره ۳۷
- ۲۵- گاهشماری و جشن های ایران باستان / ۳۳۹
- ۲۶- سایت کابل ناتپه، سال ۲۰۰۷
- ۲۷- محمدتقی حکیم، جغرافیای تاریخی شهر های ایران ، تهران ، ۱۳۶۶ ، ص ۲۴۴
- ۲۸- غبار ، افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۱ ، ص ۲۸۱
- ۲۹- تاریخ طبری، ج ۶ ، صص ۲۶۸۱- ۲۶۹۳ ، بحواله علی میرفطروس، اسلام شناسی، ج ۱ ، ص ۹۲ ، دکتر انور خامه ای، شاه کشی در ایران و جهان (جامعه شناسی و تاریخ تروریسم)، تهران ۱۳۸۱ ، صص ۴۰- ۴۴
- ۳۰- علی میرفطروس ، اسلام شناسی ، ج ۱ ، ص ۹۲- ۹۳ (بحواله مروج الذهب، ج ۱ ، ص ۷۰۶)
- ۳۱- سایت آریائی ، مقاله آقای راوش در مورد نوروز، ۲۱ مارچ ۲۰۰۵
- ۳۲- سایت فارسی بی بی سی ۱۴ / ۴ / ۲۰۰۸
- ۳۳- نوروز خوش آئین ، ماهنامه کاروان ، شماره ۳۷
- ۳۴- پژوهش های ایرانی ، ص ۶۱ ، ۶۲ ، گاهشماری و جشن های ایران باستان، ص ۲۵۴ (بعدها از هاشم رضی)
- ۳۵- تاریخ افغانستان بعد از اسلام ، پوهاند حبیبی، ص ۲۷۱